

امنیت انرژی و امنیت غذایی ۲ چالش صهیونیست‌ها در تداوم جنگ است

موشک‌ها به مقصد بنادر صهیونیستی



فرهیختگان تا پیش از جنگ ساکنان غزه از ۲۴ ساعت شبانه روز، بین چهار تا شش ساعت برق داشتند. این مقدار شاید برای شارژ گوشی‌های موبایل کافی بود اما برای «بیخجال» که باید بی‌وقفه کار کنند، در فقدان امکان استفاده موثر از بیخجال به عنوان اصلی‌ترین نگهدارنده خرد مواد غذایی، ساکنان نوار غزه قادر به انبار و برنامه‌ریزی بلندمدت غذایی نبودند. این وضعیت برای نهادهای دولتی غزه نیز تقریباً مشابه بود زیرا سردخانه بزرگی وجود نداشت. کمبود برق باعث شده بود تا غزه نیازمند واردات روزانه باشد. این پدیده در کنار اعمال محدودیت شدید بر واردات به این منطقه باعث شده تل‌آویو نبض جریان غذایی غزه را در دست داشته باشد. رژیم در جریان جنگ اخیر، باعث شده زندگی در غزه که پیش از جنگ نیز غیرقابل تحمل بود، دیگر قابل‌وصف نباشد. صهیونیست‌ها برای تنبیه غزه روزانه اجازه واردات ۵۰۰ کامیون کالا را به آنها می‌دادند اما در طول ۲۶ روز جنگ به جای ۱۳ هزار کامیون، تنها ۲۰ کامیون امکان ورود به غزه را داشته است. در کنار توقف واردات و محاصره کامل، نوار غزه با دو عامل تشدیدکننده دیگر در خصوص سوخت، غذا و دارو مواجه است. صهیونیست‌ها دست به بمباران انبارها و مراکز خرید می‌زنند تا مواد غذایی باقی‌مانده از بین برود و همزمان به دلیل جنگ تعداد زخمی‌ها و به تبع آن نیاز به دارو افزایش یافته است. این پدیده‌ها در کنار محاصره، دیگر لبه‌های قیچی فشار علیه غزه هستند.

دفتر رسانه‌ای دولتی در نوار غزه روز چهارم آبان اعلام کرده بود جنگنده‌های دشمن از ۷ اکتبر، ۱۰ تانوایی را بمباران و به‌طور کامل ویران کرده‌اند. صهیونیست‌ها در روز سوم آبان تنها تانوایی در اردوگاه المغازی را بمباران کردند ۲۲ هزار ساکن

این منطقه نانی برای تداوم حیات نداشته باشند. همچنین از دو میلیون و ۲۰۰ هزار ساکن نوار غزه تاکنون هشت هزار و ۳۰۶ نفر به شهادت رسیده‌اند. ۲۱ هزار و ۴۸ نفر زخمی شده و یک هزار و ۸۷۰ نفر دیگر مفقودند. همزمان با این شرایط، ارتش رژیم صهیونیستی با همراهی پنج هزار نظامی آمریکایی حمله زمینی علیه غزه را آغاز کرده و انگلیس به همراه آلمان وظیفه تامین تدارکات شهرک‌نشینان صهیونیست در پناهگاه‌ها را برعهده دارند. جدا از این دو، غرب دو کانال ویژه امنیت غذایی و انرژی را برای صهیونیست‌ها ایجاد کرده است؛ امنیت غذایی را استرالیا تامین می‌کند و امنیت انرژی را جمهوری آذربایجان.

در برابر جنایات صهیونیست‌ها، مقاومت اسلامی در غزه نیز حملات موشکی خود را به سرزمین‌های اشغالی ادامه می‌دهد. منابع عبری‌زبان اعلام کردند که در حمله موشکی اخیر قسام چند موشک مستقیماً به تل‌آویو، ریشون لتسیون، بات‌یام و یلماخیم اصابت کرده است. رادیو ارتش رژیم صهیونیستی نیز اعلام کرد که موج حمله راکتی اخیر به اسدود، شدیدترین حمله به این شهر از آغاز جنگ بوده و حداقل صدای ۲۰ انفجار در این شهر شنیده شده است. با توجه به تداوم جنایات رژیم صهیونیستی، روز گذشته رهبر معظم انقلاب ضمن تأکید بر لزوم بسیج دنیای اسلام و ضرورت افشاری دولت‌های اسلامی بر قطع فوری جنایات و بمباران‌ها در غزه، از این دولت‌ها خواستند راه صدور نفت و اوراق به‌رژیم صهیونیستی را مسدود و با آن رژیم همکاری اقتصادی نکنند و در همه مجامع جهانی، صریح، بدون لکت و دودپلوگویی و با صدای بلند جنایات و فحایع رژیم غاصب را محکوم کنند. در این گزارش به بررسی دو موضوع امنیت انرژی و امنیت غذایی رژیم صهیونیستی در جنگ اخیر پرداخته شده است.

منابع تامین و مسیرهای واردات نفت تل‌آویو

جهان اسلام بزرگ‌ترین تامین‌کننده نفت تل‌آویو است. این مساله را گزارش روز پنجشنبه هفته گذشته (۴ آبان، ۲۶ اکتبر) خبرگزاری بلومبرگ بر ملا ساخت. این گزارش که با عنوان «اسرائیل نفت خود را از کجا تامین می‌کند؟» منتشر شده، گزارش می‌کند قزاقستان و آذربایجان رتبه‌های اول و دوم را در سبد تامین‌کنندگان نفت رژیم در اختیار دارند. این گزارش نشان می‌دهد آستانه و باکو مجموع ۶۰ درصد نفت تل‌آویو را تامین می‌کنند. رژیم صهیونیستی روزانه به ۲۴۰ هزار بشکه نفت نیاز دارد. از این میزان ۹۰ هزار بشکه را قزاقستان و ۴۰ هزار بشکه را آذربایجان تامین می‌کند. دو هفته پیش محموله یک میلیون بشکه‌ای آذربایجان از خط لوله «باکو - جیحان» به مقصد بندر ایلات باگیری شده است. طبق داده‌های منتشرشده در سال ۲۰۲۱، اسرائیل ۱،۳۶ میلیارد دلار نفت خام وارد کرد و به پنجماهیم واردکننده بزرگ نفت خام در جهان تبدیل شد. در همان سال نفت خام نهمین کالای وارداتی اسرائیل بود. اسرائیل نفت خام را عمدتاً از آذربایجان (۸۸۸ میلیون دلار)، ایالات متحده (۱۹۷ میلیون دلار)، برزیل (۱۳۴ میلیون دلار)، نیجریه (۸۶۷ میلیون دلار) و آنگولا (۵۷۹ میلیون دلار) وارد کرده است. تامین انرژی از دو کشور قزاقستان و آذربایجان دو مزیت برای صهیونیست‌ها دارد؛ «فاصله جغرافیایی» و «واردات بالا از تل‌آویو». باکو جزء اصلی‌ترین واردکنندگان سلاح از تل‌آویو بوده و سالانه ۱۳ درصد صادرات تسلیحاتی رژیم را خریداری می‌کند. این دو کشور همچنین نسبت به دیگر تامین‌کنندگان انرژی فاصله کمتری با فلسطین اشغالی داشته و از زیرساخت‌های انتقال انرژی مناسبی بهره می‌برند. کلید اصلی انتقال نفت این دو کشور به فلسطین اشغالی خط لوله «باکو - جیحان» است؛ خط لوله‌ای که از باکو شروع شده و با عبور از گرجستان به بندر جیحان در جنوب ترکیه می‌رسد. نفت منتقل شده به بندر جیحان توسط نفتکش‌ها باگیری شده و به مقاصد صادراتی مانند فلسطین اشغالی می‌روند. قزاقستان هم که کشور محصور در خشکی

است و راهی به دریاهای آزاد ندارد نفت خود را از طریق دریای خزر و با استفاده از نفتکش به بندر باکو منتقل کرده و این‌گونه به خط لوله باکو - جیحان متصل می‌شود. غرب آفریقا حوزه مهم تامین نفت رژیم است. گابن با صادرات ۴۰ هزار بشکه نفت اصلی‌ترین صادرکننده این منطقه به فلسطین اشغالی به حساب می‌آید. برزیل با ۲۰ هزار بشکه و مصر با ۱۰ هزار بشکه دیگر تامین‌کنندگان نفت رژیم هستند. در بین تامین‌کنندگان انرژی رژیم، قاهره به دلیل مرز مشترک با فلسطین اشغالی قادر به صادرات زمینی نفت به رژیم است.

راه‌های قطع واردات نفت رژیم کدامند؟

اگر کشوری بخواهد مسیر واردات نفت تل‌آویو را قطع کند سه راه بیشتر پیش رو ندارد؛

- ۱- میداین استخراج نفت
- ۲- نفتکش‌ها
- ۳- بنادر تخلیه نفت در فلسطین اشغالی.

اگر قرار باشد حمله‌ای به میداین تولید نفت صورت بگیرد تنها حمله به میداین نفت قزاقستان و آذربایجان که دوسوم نفت تل‌آویو را تامین می‌کنند کارساز است؛ چراکه به دلیل نزدیکی قابل‌انهدامند تا میداین موجود در برزیل یا غرب آفریقا. با این حال فارغ از مزایا حمله به میداین نفت تبعات خاص خود را دارد. این حملات باعث مظلوم‌نمایی کشورهای هدف قرار گرفته شده و از سوی دیگر نقطه ثقل درگیری‌ها که میان جهان اسلام و غرب است به درون محیط اسلامی منتقل می‌شود. از این رو به نظر می‌رسد «نفتکش‌ها» و «بنادر تخلیه نفت در فلسطین اشغالی» اهداف بهتری باشند. این دو نیز هرکدام ویژگی‌هایی دارند. حمله به نفتکش‌ها می‌تواند جنگ را توسعه داده و به دریاها بکشانند؛ اتفاقی که می‌تواند منجر به حملات متقابل به کشتی‌های کشورهای

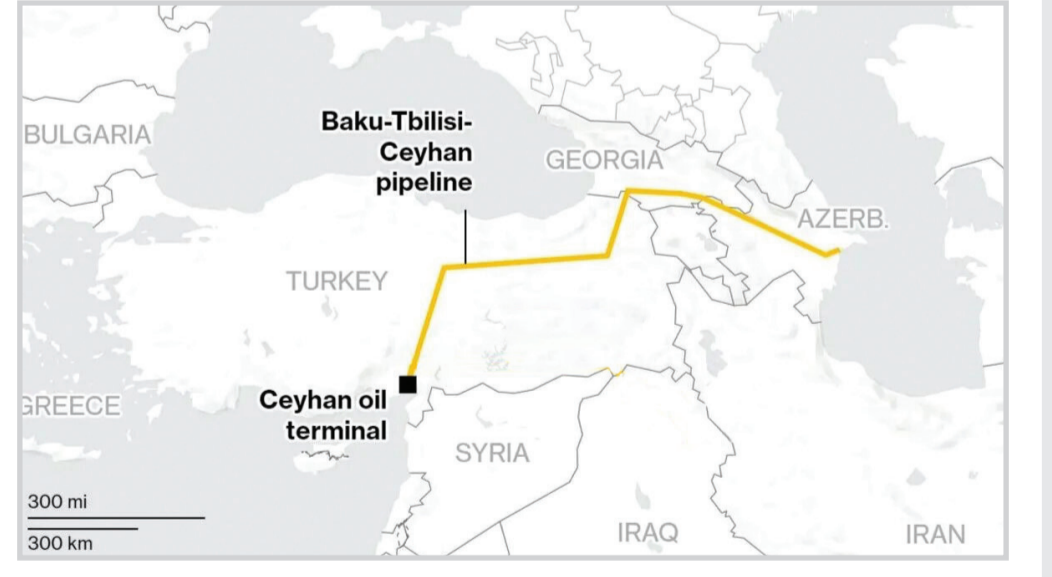
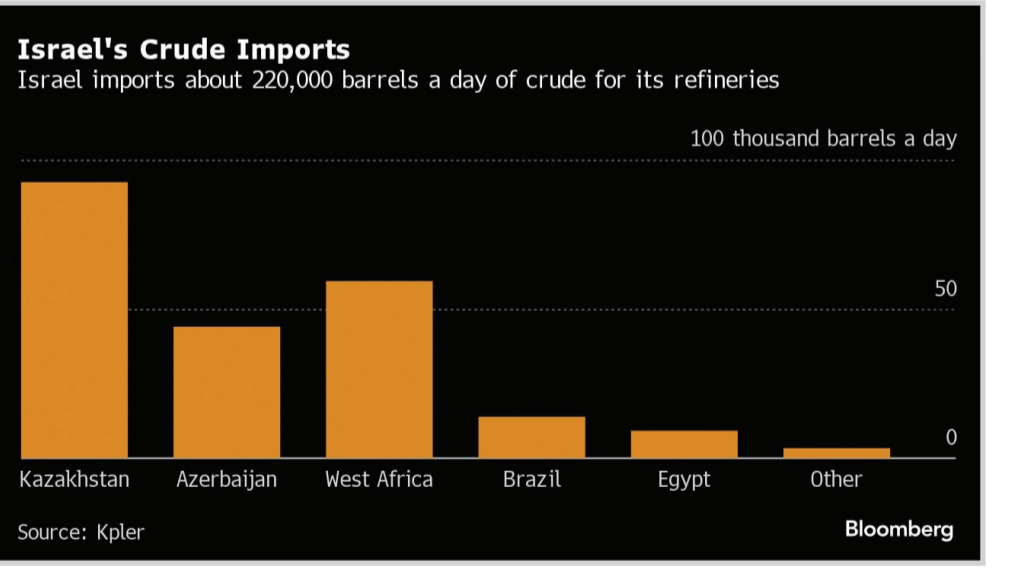
دیگر از جمله سوریه و لبنان شود. بر همین اساس اگر محور مقاومت به دنبال اقدامی حتی الامکان محدود باشد، به سمت هدف‌گیری بنادر تخلیه نفت در فلسطین اشغالی حرکت می‌کند. بندر عسقلان، بندر حیفا و بندر ایلات سه بندرگاه اصلی تخلیه نفت رژیم هستند. عسقلان به تنهایی می‌تواند روزانه ۱۸۰ هزار بشکه نفت را تخلیه کند اما تنها ۲۰ کیلومتر یا نوار غزه فاصله دارد. تا پیش از جنگ سال ۲۰۲۱ موسوم به «سیف‌القدس»، موشک‌های فلسطینی قادر به آسیب موثر به این بندرگاه نبودند اما در جنگ مزبور موفق شدند علاوه بر به آتش کشیدن مخازن ذخیره نفت عسقلان، اسکله نفتی اصلی اسرائیل در این بندر را نیز مورد هدف قرار دهند. شرکت بیمه دریایی P&I بریتانیا که بیمه‌گر بین‌المللی کشتی‌های تجاری در برابر خطرات از جمله نشست نفت است به نقل از خبرنگاران محلی اعلام کرد که اسکله نفتی در عسقلان «زیر آتش راکت دائمی» است. P&I گفت: «درحالی‌که عسقلان رسماً باز است، در عمل تقریباً بسته است و کشتی‌ها باید ورود خود به بندر را با نیروی دریایی اسرائیل هماهنگ کنند.»

بندر ایلات در جنوب نسبت به عسقلان و حیفا وضعیت بهتری دارد. عسقلان با غزه ۲۰ و لبنان ۱۹۰ کیلومتر، حیفا با غزه ۱۵۰ و لبنان ۴۵ کیلومتر فاصله دارند اما حیفا از غزه ۲۰۰ و با جبهه شمالی ۴۵۰ کیلومتر فاصله دارد. با این حال به دلیل محدودیت تاسیسات، ایلات می‌تواند روزانه ۴۰ هزار بشکه وارد کند که کمتر از ۲۰ درصد واردات رژیم است. در سطح محدود جنگ، مقاومت از غزه می‌تواند حملات دقیق و موثری به بندر عسقلان انجام دهد اما قادر به تکرار آن در خصوص حیفا و ایلات نیست. جبهه شمالی نیز به دلیل مجاورت با فلسطین اشغالی علیه حیفا اقدام کند، جنگ با اقدام متقابل تل‌آویو علیه تاسیسات نفتی لبنان و سوریه به سرعت گسترش می‌یابد. به نظر می‌رسد بهترین مسیر حملات ترکیبی یمن با استفاده از موشک‌های بالستیک، کروز و پهپاد علیه تاسیسات

نفتی رژیم در ایلات و عسقلان باشد. همچنین یمن می‌تواند به کشتی‌های تجاری‌ای که مقصدشان فلسطین اشغالی است در دریای سرخ و حتی مدیترانه حمله کند. این مسیر صرفاً در صورتی طی خواهد شد که محور مقاومت درصدد محدود نگاه داشتن جنگ و پاسخ به رژیم باشد اما اگر واکنش این محور بخواهد متحدان تل‌آویو را نیز شامل شود. آنگاه خطوط کشتیرانی هدف حملات قرار می‌گیرند. این‌گونه قاره‌سبز که به دلیل درگیری در جنگ اوکراین خود را از نفت روسیه محروم کرده نسبت به تامین انرژی خود از آسیای میانه و قفقاز نیز نگران خواهد شد.

آیا حملات سخت نظامی تنها مسیر است؟

در کنار استفاده از موشک‌های بالستیک، کروز و پهپاد‌های انتحاری و همچنین اقدامات خرابکارانه توسط گروه‌های ویژه، مسیر خاص دیگری برای قطع دسترسی رژیم به نفت و غذا وجود دارد؛ «حملات سایبری». این حملات می‌توانند بدون آنکه تبعات حمله سخت را داشته باشند سراسر «نظیره تامین» تل‌آویو را هدف بگیرند. میداین تولید نفت، شرکت‌های دخیل، تاسیسات انتقال و ذخیره سوخت، بنادر باگیری و تخلیه و در انتها پالایشگاه‌ها و حتی نیروگاه‌ها و پمپ‌های بنزین می‌توانند هدف حملات سایبری قرار گیرند. یکی از مشهورترین حملات سایبری به خطوط انرژی در جمعه ۱۷ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۰ رخ داد. طی این حمله یکی از خطوط انتقال سوخت شرکت «کولونیاال» آمریکا مورد حمله باخ‌افزاری یک گروه هکری ساکن در اروپای شرقی به نام «دارک‌ساید» قرار گرفت. اکتارافشان این خط لوله که روزانه پنج میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه نفت سواحل شرقی را تامین می‌کرد، جو بایدن را واداشت تا تنها دو روز پس از حمله اعلام وضعیت اضطراری کند. این خط لوله ۴۵ درصد نفت سواحل شرقی را تامین می‌کرد که از ایالت نیویورک در شمال تا فلوریدا در جنوب را در بر می‌گیرد.



چه کسی جور امنیت غذایی صهیونیست‌ها را می‌کشد؟

نه ارتش صهیونیستی و نه صهیونیست‌های ساکن در آن، توان جنگ‌های طولانی مدت را ندارند. اگر حمایت‌های تسلیحاتی و عملیاتی آمریکا نباشد، رژیم توان ایستادگی در برابر گروه‌های مقاومت چه در غزه و چه لبنان را ندارد. بخشی از فقدان تاب‌آوری این رژیم، ناشی از جمعیتی است که در سرزمین‌های اشغالی مستقر شده‌اند. از همین رو، در هر جنگی به اندام امنیت جانی، برای صهیونیست‌ها امنیت غذایی پراهمیت است. «نیر گلدشتاین» مدیرعامل یک اندیشکده فناوری غذایی و «ایال مالیس» مدیرعامل سابق بزرگ‌ترین شرکت غذایی اسرائیل در مقاله‌ای با عنوان «آیا جنگ با حماس به تامین مواد غذایی اسرائیل آسیب می‌رساند؟» به بحران امنیت غذایی در سرزمین‌های اشغالی پرداخته‌اند. براساس مقاله این دو، در اسرائیل کمبود موقت کره یا تخم مرغ برای خبرساز شدن کافی است. در طول جنگ کنونی با حماس، فرماندهی جبهه داخلی پیامی درباره ذخیره‌سازی آب ارسال کرد که بلافاصله باعث ایجاد وحشت ناخواسته در سوپرمارکت‌ها شد. همان‌طور که آبراهام ملزو - روانشناس انسان‌گرای آمریکایی - گفته «نیاز

به غذا حتی بر نیاز به امنیت مقدم است.» موضوع امنیت غذایی - توانایی یک کشور برای فراهم کردن امکان تامین غذا برای شهروندانش در طول یک بحران - در سال‌های اخیر با توجه به دنیای پرهج و مرج، جنگ‌ها، بیماری‌های همه‌گیر و تغییرات آب و هوایی مورد توجه کشورهای بیشتری قرار گرفته است. مشکلات امنیت غذایی یک کشور می‌تواند به دلایل اقتصادی ناشی شود و نظم جهانی را تغییر دهد. نویسندگان مقاله با اشاره به جنگ اخیر در غزه و مشکلات آن برای تل‌آویو، نوشتند: «در هفته گذشته، اقتصاد تأثیرات فوری را تجربه کرد. بیشتر سبزیجات و مقداری از شیر تولیدشده در اسرائیل در زمینی در نزدیکی نوار غزه پرورش می‌یابد که اکنون دسترسی به آن به شدت محدود شده است.» بقیه صنایع غذایی نیز از کمبود شدید نیروی انسانی رنج می‌برند؛ چراکه نیروهای ذخیره‌ای که در این حوزه فعال بوده‌اند، فراخوانده شده‌اند و کارگران فلسطینی و عرب-اسرائیلی که نمی‌توانند به سر کار بروند و مسایر کارگران هم در مناطقی که به شدت تحت تأثیر جنگ قرار گرفته‌اند، در خانه‌های

خود محبوس هستند. این مشکل هم در سوپرمارکت‌ها و هم در مزارع لبنیات احساس می‌شود. علاوه بر این، رژیم با کمبود شدید حمل‌ونقل مواجه است. کامیون‌ها و رانندگان برای جنگ اعزام شده‌اند. با توجه به چالش‌ها، این صنعت توانایی‌های خود را روی محصولات اصلی متمرکز خواهد کرد و بنابراین اسرائیلی‌ها به‌زودی کمبود محصولات خاص مانند غذاهای لذیذ و محصولات غذایی را که به عنوان کالاهای لوکس تلقی می‌شوند، احساس خواهند کرد.

همه اینها ممکن است فقط یک مقدمه باشد. همان‌طور که جنگ ادامه می‌یابد و احتمالاتی در جبهه‌های دیگر گسترش می‌یابد، برای تامین پروتئین، اسرائیل تقریباً منحصراً به واردات متکی است. بیش از ۸۵ درصد گوشت گاو در اسرائیل وارداتی است (به عنوان گوساله زنده یا گوشت منجمد)، طیور بیشتر در داخل پرورش داده می‌شود، اما ۹۰ درصد خوراک پرورش آن وارداتی است. واردات از طریق دریا انجام می‌شود و در حال حاضر چالش‌های فزاینده‌ای در قیمت بیمه حمل‌ونقل و میزان تخلیه در بنادر وجود دارد که باعث کمبود و افزایش قیمت می‌شود. به

